

کاوشی نو در معارف قرآنی
سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، پیاپی ۱
صص ۶۵-۷۸

تحلیل معنایی درجات تقوا در نهج البلاغه

حمید احمدیان*، علی سعیدآوی**

چکیده

واژه تقوا در نهج البلاغه پس از قرآن، از جمله واژه‌های کلیدی است که می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در سازندگی انسان داشته باشد. از ویژگی‌های مهم واژه تقوا در طرح معنایی، طرح شبکه‌های معنایی آن است که در هر متن با تحلیل زبان‌شناسی آن شبکه‌ها می‌توان به افق‌های تازه‌ای در لایه‌های معنایی تقوا رسید. مقایسه میان مختصات معناشناختی قرآن و نهج البلاغه پنجره‌های جدیدتری را بر روی پژوهشگران باز می‌کند. در این مقاله به تحلیل‌های زبان‌شناختی درجات سه‌گانه تقوای عام، تقوای خاص و تقوای خاص‌الخاص پرداخته شده است. کشف ارتباط میان تقوا به عنوان یک واژه مهم کلیدی و واژگان مرتبط با آن در یک حوزه عناصر هم معنا (مقارَب المعنی) برای کسانی که به دنبال مکانیسم تدوین تقوا هستند، می‌تواند بسیار حیاتی و با اهمیت باشد. در قرآن و نهج البلاغه واژه تقوا کلیدی‌ترین واژه درباره فضیلت انسان است.

واژه‌های کلیدی:

نهج‌البلاغه، تقوا، درجات تقوا، تحلیل معنایی تقوا، لایه‌های معنایی تقوا.

مقدمه

نهج البلاغه رشحه‌ای از قلم زیبا و شمه‌ای از بیان شیوا و تابشی از افکار رسای امام علی (ع)، دومین شخصیت عالم است. کتابی که در طی چهارده قرن هنوز ژرف اندیشان به عمق محتوای آن نرسیده و بر ابعاد بیکران آن احاطه نیافته اند. بزرگان زیادی پیرامون موضوعاتش تحقیق نموده و بیش از ۳۵۰ جلد کتاب پیرامون آن نوشته‌اند (استادی، ۱۳۵۹، ص ۱۲۸). تتبع پیرامون موضوع‌ها و مباحث آن برای بهره‌مند شدن از معارف والای آن رسالتی همگانی برای همه مسلمانان؛ بویژه شیعیان آن حضرت است؛ هر چند غواصی دریای ژرف نهج البلاغه کارهرکسی نیست: کاملی باید در این راه شگرف / تا کند غواصی این بحر ژرف.

اما هرکس به اندازه وسع و توان خود باید قطره‌ای از این دریای بیکرانه برگیرد. لذا در جهت چنین هدفی، پژوهش حاضر به بررسی یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم نهج البلاغه؛ یعنی درجات تقوا از دیدگاه زبان‌شناسی جدید پرداخته است. بحث معنایی واژه‌های کلیدی نهج البلاغه به شکلی که از دیدگاه زبان‌شناسی معاصر مطرح است، تا کنون در جهان اسلام و تشیع سابقه نداشته است. البته، در مورد تحقیق در معنا شناسی برخی واژه‌های کلیدی قرآن (مانند: تقوا، ایمان، کفر، شکر و...) معناشناسان برجسته‌ای چون، توشیهیکو/یزوتسو، تحقیقات وسیعی انجام داده‌اند، اما به نظر می‌رسد در نهج البلاغه چنین کاری انجام نگرفته است، بنابراین، معناشناختی در کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه که «أخ القرآن» لقب گرفته است، ضرورت دارد.

هدف از بررسی معنایی درجات واژه کلیدی تقوا، بررسی معنا یا معناهای جدیدی است که با شیوه خاص معناشناختی و با توجه به عوامل بیرونی و درونی کلام امام (ع) به دست می‌آید و این مهم تنها از راه ترسیم شبکه معنایی واژه تقوا و سپس کشف درجات آن ممکن است؛ زیرا معنای واژه تقوا که با نگاه زبان‌شناسی جدید صورت گرفته است، در هر مورد از کلام حضرت با مورد دیگر فرق می‌کند و عوامل درونی چون: سیاق، بلاغت، وجوه نحوی و عوامل بیرونی، مثل: جامعه، فرهنگ و تاریخ در معنای واژگان نقش اساسی دارد.

روش انجام تحقیق بدین صورت است که: ابتدا معنای لغوی واژه تقوا را در مصادر و منابع لغوی در نظر می‌گیریم، سپس تطور دلالتی آن را با شیوه معنا شناختی بررسی می‌کنیم، و از آنجا که امام علی (ع) شاگرد قرآن است، نیم‌نگاهی نیز به معنای واژه تقوا در قرآن و تطور دلالتی آن خواهیم افکنند، سپس به بررسی واژه در نهج البلاغه می‌پردازیم. بدیهی است این بررسی همه جانبه است و منطبق بر همه داده‌های زبان‌شناسی تخصصی زبان عربی صورت می‌گیرد.

۱. معناشناسی در نهج البلاغه

زبان‌شناسی یا فقه اللغة به دانشی گفته می‌شود که به بررسی و شناخت مسائل و موضوعات زبان می‌پردازد (عبدالطوب، ۱۳۶۷، ص ۹) و معناشناسی به بررسی ارتباط واژه و معنا، اطلاق می‌گردد. نکته‌ای که در معنا شناسی اهمیت دارد، نظریه حوزه معنایی (semantic field) یا حوزه قاموسی (lexical field) است که عبارت است از مجموعه‌ای از کلمات که دلالت آنها به هم ارتباط دارد و معمولاً تحت واژه

شکم مادر نوشته شده است (ابن منظور، ۱۹۸۸، ماده وقی).

۲- دفاع از خویشان؛ شاعر در این زمینه گفته است: «و قال سَأْقِضِي حاجتي ثُمَّ أَتَقِي / عدوى بألفٍ من ورائي مُلجَم»؛ گفت: نیاز خود را بزودی برآورده خواهم ساخت، سپس با هزار اسب لگام به دهان، از خودم در برابر دشمنان به دفاع خواهم پرداخت (ابن ابی سلمی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

۳- دفع چیزی از چیز دیگری به یاری و کمک دیگران. راغب می گوید: «اتقی فلان بكذا»؛ یعنی چیزی را وقایه و حافظی برای خودش قرار داد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ماده وقی).

۴- خوف و ترسیدن. این معنا در شعر عرب به کار رفته است: «نَحَزَ زُؤوسَهُمْ فِي غَيْرِ بَرٍّ / فَمَا يَدْرُونَ ماذا يَتَّقُونَ»؛ بی مهابا، سرهای آنان را می بریم، طوری که ندانند از کدام خطر خود را حفظ کنند (ابن کثوم، ۱۹۹۱، ص ۷۵).

۵- اصلاح کردن کار یا چیزی. در اقرب الموارد آمده است: «وَقِيَ الأَمْرَ وَقِيّاً يَعْنِي أَصْلَحَهُ» (الخوری الشرتونی، ۱۴۷۹، ماده وقی).

با بررسی معانی تقوا و کاربرد آن در لغت و شعر عرب، در می یابیم که قبل از ظهور اسلام هر چند مشتقات آن کاربرد زیادی در شعر و سخن عرب داشته، اما به معنای دینی به کار نرفته است و اگر در موارد نادری مفهوم اخلاقی حفظ کردن خود از بدی ها دارد، به دلیل اعتقادات خاص شاعر بوده است و این مفهوم قابل تعمیم به دیگر موارد استفاده از این واژه در شعر و سخن دیگران نیست، بلکه عموماً معنای مادی و جسمانی داشته است. تنها در شعر زهیر بن ابی سلمی که زیر نفوذ یهودیت بود و در

عامی است که آنها را به هم می پیوندد. برای اینکه معنای یک کلمه فهمیده شود، باید مجموعه کلمات مرتبط به آن از حیث معنایی فهمیده شود (مختار عمر، بی تا، ص ۷۳). به زبانی دیگر، معنا شناسی مطالعه تحلیلی و علمی واژه های کلیدی زبان است. کلمه های کلیدی نهج البلاغه که در زبان امام علی (ع) تبلور یافته است، از یک سو بر آمده از مکتب قرآن، و از سوی دیگر، زاینده فرهنگ و جهان بینی خاصی در عصر خلافت است. بنابراین، در نهج البلاغه ضمن ملاحظه بحث های زبان شناسی خاص باید، هم زبان تخصصی قرآن را مورد بحث قرار داد و هم فرهنگ خاص حاکم بر جامعه اسلامی را از رحلت پیامبر (ص) تا شهادت امام علی (ع) در سال ۴۰ هجری، لحاظ کرد. در بحث معنا شناسی نهج البلاغه بافت (سیاق) نیز به طور مستقیم در دلالت های متن و تعیین آن به کار می رود. توجه به این نکته می تواند لایه های باطنی کلام امام علی (ع) را از درون متن به بیرون هدایت کند و سبب وضوح بیشتر و دقیقتر معنا گردد.

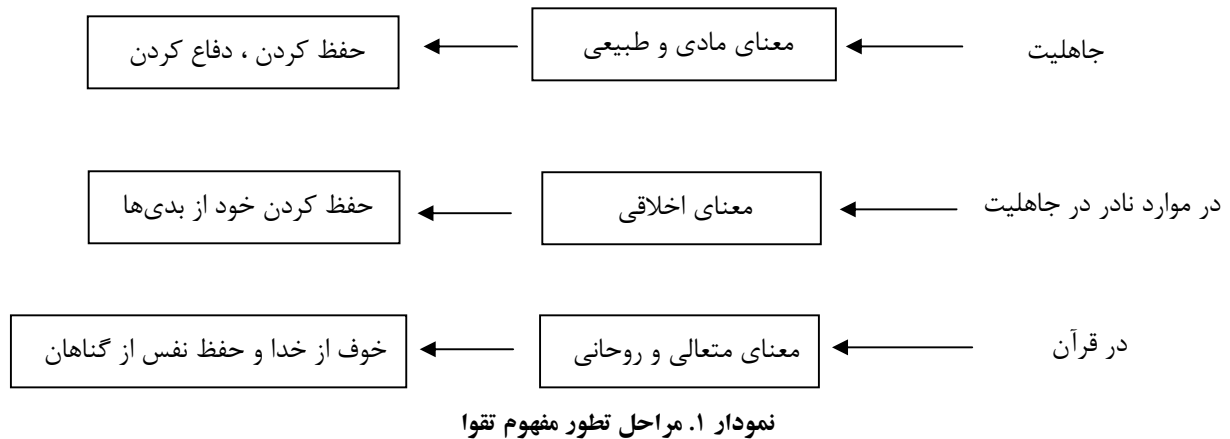
۲. تطور دلالی واژه تقوا

معانی واژه تقوا (وقی) و مشتقات آن در لغت و شعر عرب به شرح ذیل است:

۱- حفظ و صیانت شیء از هر چیز زیانبار؛ فیروزآبادی گوید: «صَانَهُ وَ سَتَرَهُ عَنِ الأَدَى وَ حَمَاهُ وَ حَفَظَهُ» (فیروزآبادی، ۱۳۷۱، ماده وقی) در شعر نیز این معنا به کار رفته است. باهلی گوید: «لَاتَقِيهِ المَوْتُ وَ قِيَاتِهِ خُطٌّ لَهُ ذَلِكُ فِي المَهْبِلِ»؛ اموالی که جمع کرده است، او را از مرگ حفظ نکند. مرگ برای او در

صوری و شکلی تغییر پیدا نمی‌کند. البته، در قرآن در مواردی هم فعل اتقی در همان معنای طبیعی و مادی (حفظ و نگهداری) به کار رفته است. تطور دلالتی واژه تقوا از جاهلیت تا پس از ظهور اسلام به شکل زیر قابل ترسیم است:

سخن بعضی از حنفیان، تقوا در مفهوم اخلاقی کاربرد داشته است (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۳۰۸). این لغت در اندیشه قرآنی کاملاً جنبه روحانی پیدا می‌کند و در معنای خوف از خدا و حفظ نفس از گناهان به کار می‌رود، اما با این وصف، ساخت



اطاعت و عبادت (آل عمران: ۱۰۲)، پاک کردن دل از گناهان (نور: ۵۲)، ایمان (فتح: ۲۶، حجرات: ۳)، معنای توبه (اعراف: ۹۴)، محفوظ داشتن و نگاه داشتن (بقره: ۲۰۱)، تقیه کردن و ترسیدن (آل عمران: ۲۸)، (تفلیسی، ۱۳۴۰، ص ۵۶؛ طریحی، بی‌تا، ص ۴۵۰؛ خرماشاهی، ۱۳۷۷، ص ۸۰۰).

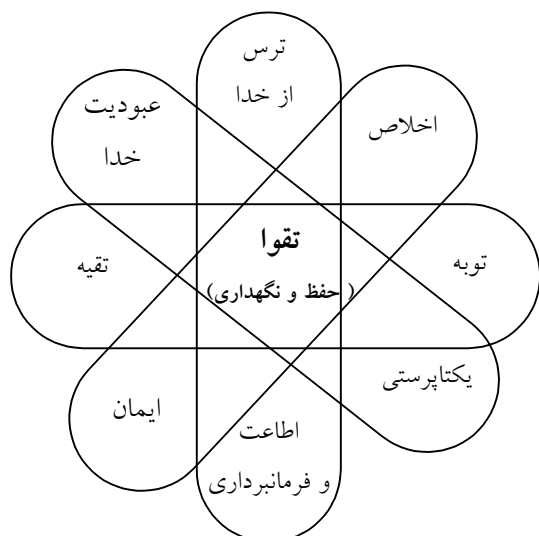
با بررسی شبکه‌های واژه تقوا در قرآن در می‌یابیم که یکی از جنبه‌های اعجاز لفظی قرآن، کاربرد اشتراک معنوی است. با ظهور اشتراک معنوی، اعجاز قرآن، جاودانگی و پویایی آن، چند معنایی و چند لایه‌ای بطون و ظهور قرآن بهتر رخ می‌نماید. پدیده اشتراک معنوی که در قرآن می‌توان به کرات از آن یاد کرد، واژگان جاهلی را ابتدا وارد نموده و سپس با فرهنگ خاص توحیدی معانی بلندی را به آن واژگان القا کرده است. واژه ای که در فرهنگ جاهلی (شعر و خطابه) دارای معانی متعدد و متباین بوده است، قرآن

۳. نگاهی به واژه تقوا در قرآن

همان‌گونه که در بحث لغوی گذشت، واژه تقوا قبل از نزول قرآن کاربرد دینی نداشته و این واژه از واژه‌های مخصوص قرآن است. بنابراین، برای درک مفهوم تقوا، باید معانی این واژه در آیات قرآنی بررسی شود. واژه تقوا و مشتقات آن در قرآن حدود ۲۵۸ مورد به کار رفته است. در زمینه وجوه معنایی واژه تقوا در قرآن نظرهای متفاوتی هست که به بیان بعضی از آنها می‌پردازیم. دامغانی در قاموس قرآن برای واژه تقوا چندین وجه ذکر نموده که عبارتند از: ترسیدن و هراس داشتن (نساء: ۱، حج: ۱)، پرستیدن (نحل: ۲ و ۵۲)، عدم سرپیچی و نافرمانی (بقره: ۱۹۸، اعراف: ۹۶) و موحد شدن (نساء: ۱۳۱، حجرات: ۳) (دامغانی، ۱۳۶۱، ص ۳۲۲). در سایر کتب وجوه قرآن، وجوه دیگری به آن اضافه شده که عبارتند از: اخلاص (حج: ۳۲ و ۳۷)،

بازگشت به سوی خدا نیز حفظ نفس از عذاب اخروی و خشم و غضب الهی وجود دارد.

پس مفهوم اصلی واژه تقوا، در تمام وجوه دیده می‌شود و بنابراین، چنین نتیجه گیری می‌شود که این واژه میان تمام وجوه مشترک معنوی است. پس تقوا لفظی است که معنای بسیار گسترده‌ای دارد و بسیاری از مفاهیم اخلاقی و کلیدی قرآن را دربر می‌گیرد که نمودار ذیل نشان دهنده آن است:



نمودار ۲. مفاهیم تقوا

۴. درجات تقوا در نهج البلاغه

واژه تقوا و مشتقات آن حدود ۱۰۰ بار در نهج البلاغه به کار رفته و از کلیدی ترین واژه‌ها در سخنان امام علی (ع) است. برای درک عمیق معنای این واژه در نهج البلاغه و بررسی زبان شناسانه درجات آن، باید مهمترین حوزه های معنایی این واژه تحلیل شود. در بررسی حدود ۶۰ مورد از سخنان امام که واژه تقوا در آن به کار رفته است، این مطلب روشن می‌شود که واژه تقوا در هر مورد از سخنان حضرت در سامانه جدیدی قرار می‌گیرد و با تعدادی از واژگان کلیدی نهج البلاغه، فضایل و ارزش‌های اخلاقی فردی و

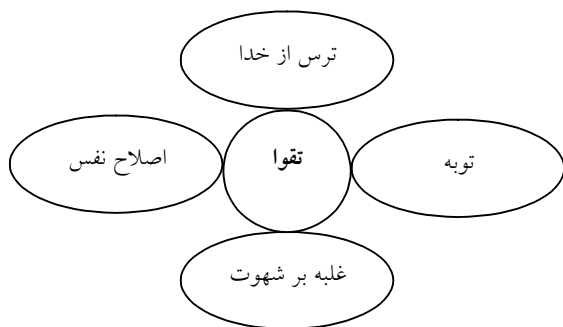
با شیوه‌ای کاملاً علمی و زبان‌شناسانه از همان واژه، اشتراک معنوی ساخته است؛ چنانکه قبلاً گذشت، معنای لغوی واژه تقوا «حفظ و وقایه» است.

یکی از وجوه تقوا در قرآن، مفهوم خوف و خشیت است؛ یعنی ترس از خدا و عذاب اخروی و انسان متقی کسی است که خود را از خطر مجازات الهی با سپر فرمانبرداری و ایمان حفظ می‌کند. پس مفهوم حفظ نفس در این وجه کاملاً مشهود است. وجه دوم تقوا، مفهوم پرستش و عبودیت است که انسان متقی خود را از پرستش و عبودیت غیر خدا ننگه می‌دارد، زیرا لازمه پرستش غیر خدا، عذاب اخروی است و انسان پرهیزکار خود را از این عاقبت سوء حفظ می‌کند. پس در اینجا نیز مفهوم حفظ نفس دیده می‌شود. در وجه سوم: مفهوم نافرمانی و تمرد مطرح شده که در این مفهوم نیز معنای حفظ نفس به خوبی مشهود است؛ زیرا انسان متقی که نا فرمانی خدا نمی‌کند خود را از عقاب حفظ می‌نماید. در وجه چهارم مفهوم موحد شدن مطرح شده است و در این مفهوم نیز حفظ نفس از توجه به غیر خدا و فقط خدا را محور همه امور قرار دادن، دیده می‌شود. در وجه پنجم که اخلاص است نیز مفهوم حفظ نفس از توجه به امور غیر الهی و خالص کردن نفس برای خدا، دیده می‌شود. در وجه ششم (ایمان و عمل صالح)، نیز به نوعی مفهوم حفظ نفس وجود دارد، زیرا فرد متقی که عمل صالح انجام می‌دهد، خود را از عاقبت سوء بی‌ایمانی که مبتلا شدن به عذاب الهی است، حفظ می‌کند. وجه هفتم هم معنای لغوی را در بر دارد (محفوظ داشتن و نگاه داشتن). در وجه هشتم مفهوم تقیه کردن، یا معنای حفظ نفس از شر دشمنان و ظالمان نهفته است. در وجه نهم، مفهوم توبه و

واصلان به محبوب در بالاترین درجه، که درجه کمترین و «خاص الخاص» است، قرار دارند. نخستین درجه بیشتر خطاب به افرادی است که در زمان امام علی(ع) در مرداب مادیات و شهوات فرو رفته‌اند و امام علی(ع) تنها انتظاری که از آنها دارد، این است که از این مرداب رو برگردانند؛ در نخستین عبارت آمده است:

۱- «فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ نَصَحَ نَفْسَهُ وَ قَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَ غَلَبَ شَهْوَتَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۶۴).

در این کلام، واژه تقوا با واژه‌های نصیحت نفس، توبه و غلبه بر شهوات در ارتباط است و در میدان معنایی جدیدی قرار می‌گیرد.



نمودار ۳. مفاهیم تقوا

امام علی(ع) به خوبی دریافته بود که علت دل‌بستگی این افراد به دنیا فراموشی مرگ است، از این رو، در فرازهای زیر واژه مرگ را جزو واژگان کلیدی سامانه تقوا قرار می‌دهد و می‌فرماید:

۲- «جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ وَ التَّقْوَى عُدَّةَ وَ فَاتِهِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۷۶).

۳- «ثُمَّ إِنَّكُمْ مَعَشَرَ الْعَرَبِ أَغْرَاضُ بَلَايَا قَدْ اقْتَرَبَتْ. فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النُّعْمَةِ وَأَحْذَرُوا بَوَائِقَ النُّقْمَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۱).

اجتماعی خاصی را مطرح می‌کند و این امر سبب پیدایش درجات مختلف برای آن شده است.

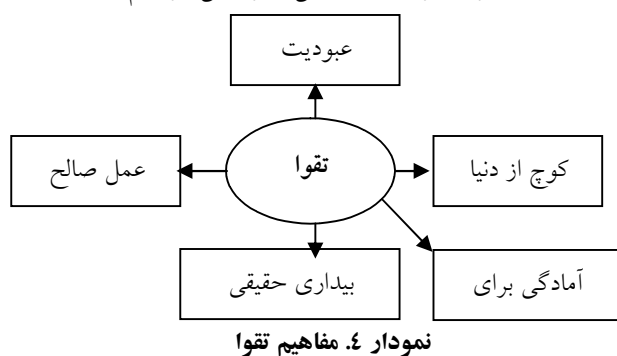
نکته قابل توجه در سخنان امام علی(ع)، در نهج البلاغه در حکمت ۲۴۲، این است که آن حضرت تقوا را به عنوان ملکه‌ای که دارای مراتب و درجات است و حداقل و حداکثری دارد، بیان فرموده‌اند و این که همان حداقل تقوا نیز، زمینه را برای مراتب بعدی تقوا فراهم می‌کند. بنابراین، هر چند واژه تقوا مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که شامل همه فضایل اخلاقی و مفاهیم کلیدی است، با این حال، آراسته نبودن انسان به تمامی این فضایل به معنای خروج کلی از دایره تقوا نیست و چنین انسانی می‌تواند مرتبه ضعیفی از مراتب تقوا را در خود ایجاد نماید. بی‌تردید، یاران امام علی(ع) همه در یک درجه از تقوا نبودند: عمار یاسر یار با وفای او بود و محمد بن اشعث - که گاهی دست به نفاق می‌زد - نیز در صف یاران امام قرار داشت. نهج البلاغه خطاب به هر دو گفته شده است و هر کس به قدر ظرفیت خود از آن بهره‌مند می‌شد؛ از این رو، در ترسیم شبکه‌های معنایی، این درجات تقوا را در نظر داشته‌ایم و ناگفته روشن است که مراد از درجات تقوا، همان درجات سالکان و عارفان که در کتب عرفانی آمده نیست؛ هر چند با آن درجات شباهت زیادی دارد.

۴-۱. درجه اول

واژه تقوا در این درجه به معنای غلبه بر شهوات، ترک حرام، و نصیحت نفس و توبه به کار رفته است. این درجه نسبت به آنچه که در درجه سوم آمده درجه بسیار پایینی است که قطعاً مرتبه امام علی(ع) و یاران مخلص وی بسی فراتر از آن است و این

۵- «اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَاذْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۶۴).

در تحلیلی زبان شناسانه دایره معنایی که واژه تقوا در آن قرار گرفته، به شکل زیر قابل ترسیم است:



با اینکه امام در بسیاری از شبکه‌های معنایی، واژه تقوا را برای عوام الناس - و نه سالکان طریق - مد نظر داشت، اما حتی در اوائل خلافتش که خطاب بیشتر متوجه مادی گرایان بود، نیم نگاهی به مؤمنان واقعی داشت. فراز زیر از خطبه ای است که به خطبه ولایت معروف است و ظاهراً نخستین خطبه‌ای است که امام ایراد فرموده‌اند و واژه تقوی را بسیار غنی می‌یابیم و خطاب آن به همه، از جمله مؤمنان واقعی است.

۶- «إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَزَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ... أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلٍّ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا..... لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنٌّ أُصْلٍ...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶).

از دیدگاه زبان شناسی می‌توان گفت: واژه تقوا در این خطبه با واژه‌های عبرت پذیری، دوری از شبهات، شناخت حق و باطل، ابتلا و امتحان الهی، وصول به هدف و مقصد، آرامش روحی و روانی، سلوک در جاده مستقیم الهی، توجه به بازگشت به سوی خداوند و اصلاح امور اجتماعی و برقراری

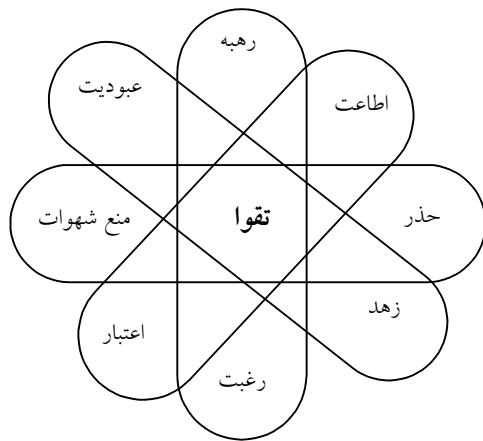
در این فراز از کلام امام علی (ع) عبارت «اتقوا سكرات النعمة و اخذروا بوائق النعمة» واژگان کلیدی شبکه معنای تقوا را تشکیل می‌دهند. حضرت با گوشزد نمودن خطرهای و فتنه‌های عظیم مادی، همه افراد جامعه را به پرهیز از این امور دعوت نموده، آنان را برای مقابله با این بلا یا آماده می‌کند و از آنان می‌خواهد از غفلتی که بر اثر فراموشی مرگ و وسعت نعمت جامعه را فرا گرفته است و آنها سرمست و مغرور این نعمت‌های دنیوی شده‌اند، برحذر باشند.

۴- «وَاتَّقُوا مَدَارِجَ الشَّيْطَانِ وَمَهَابِطَ الْعُدْوَانِ وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لِعَقِّ الْحَرَامِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۱).

آنچه در این شبکه معنایی جدید است، این است که بر خلاف آنچه در قرآن و نهج البلاغه در بیشتر موارد واژه تقوا به خدا نسبت داده شده و لفظ اتقواالله به کار رفته است، در این جا واژه تقوا به مدارج الشیطان نسبت داده شده و به همین مناسبت معنایی جدید برای واژه تقوا به وجود آورده است.

تقوا در اینجا به معنای پرهیز جدی از راه‌های شیطان است و این راه‌ها همان صفات زشت و خوی‌های ناپسندی است که شیطان آنها را خوب و پسندیده جلوه داده است تا مردم را به سوی خود کشد.

عبارت «وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لِعَقِّ الْحَرَامِ» گویای آن است که بسیاری از مخاطبان امام حتی از حرام‌خواری پرهیز نمی‌کردند، از این رو، در درجه بسیار پایینی از تقوا به سر می‌بردند و چه بسا فاقد آن بودند.



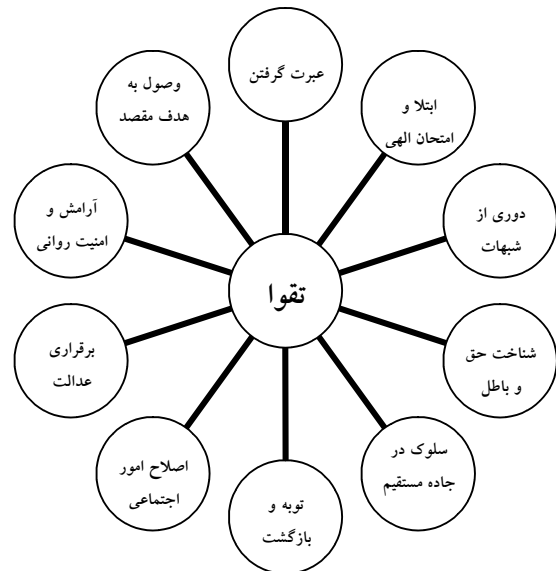
نمودار ۶. مفاهیم تقوا

امام علی (ع) شاهد بودند، یاران پیامبر که زمانی در راه خدا دل از تمام دنیا و حتی اهل و عیال بریده‌اند، اکنون به فکر خویش هستند و جامعه را به فراموشی سپرده‌اند و در برابر آن احساس مسؤولیتی نمی‌کنند. از این رو، پس از اینکه در فرازهای پیشین بر تقوای فردی تأکید فرمودند و یارانش را از نظر فردی ساختند، در سامانه جدید بر بعد اجتماعی تکیه می‌کنند و آنان را نه تنها در برابر بندگان مسؤول می‌دانند، بلکه آنان را مسؤول حیوانات و بهایم نیز به شمار می‌آورند:

۸- «إِنَّتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶۷).

در این فراز تقوا در دو زمینه مطرح شده است:
 ۱- تقوای شهر نشینی؛ ۲- تقوای اجتماعی به معنای عام. سپس امام به دو نوع تقوای دیگر نیز اشاره می‌نماید: ۱- تقوای محیط زیست: حفظ جنگل‌ها و مراتع؛ ۲- تقوای محیط زیست: حفظ وحوش و بهایم.

عدالت اجتماعی در ارتباط است که بدون شناخت این امور مفهوم واژه تقوا در این خطبه ممکن نیست و در شکل هندسی به این نحو قابل ترسیم است:



نمودار ۵. مفاهیم تقوا

۷- «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّهَا النَّجَاةُ عَدَاً وَالْمُنْجَاةُ أَبَدًا» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۶۱).

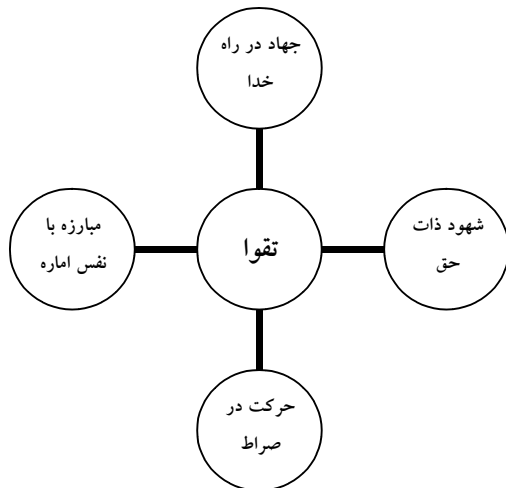
در این بیان نورانی، توصیه به تقوا همراه با عبودیت و اطاعت آمده است. لازمه عبودیت اطاعت مطلق است، لذا تقوای عملی مورد توجه است و نتیجه این نوع تقوا، نجات و رهایی ابدی است. در این فراز واژه تقوا در یک سامانه معنایی قرار گرفته است که واژه‌های عبودیت، اطاعت، رهبه، رغبه، اعراض از دنیا (زهد)، اعتبار، حذر و منع شهوات آن را تشکیل داده است. امام که می‌کوشید در فرازهای گذشته زیرساخت همه شهوات و مادیات را بزند؛ در سامانه جدید بر اطاعت خداوند، عبودیت، ترس از خدا و مانند آن تأکید کرده و راه و چاه را نشان داده‌اند:

۴-۲. درجه دوم

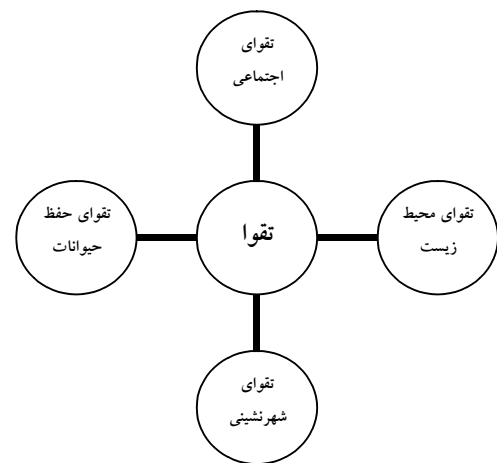
امام زمانی این خطبه‌ها را ایراد فرمودند که در مسند خلافت بودند و هر چه یاران را به جنگ و جهاد با معاویه فرا می‌خواندند، آنان سر بر می‌تافتند. امام روان‌شناسی بودند که می‌دانستند سبب این همه ترس از جنگ و بی‌رغبتی به جهاد، دل‌بستگی به دنیاست. بنابراین، پس از اینکه با خطبه‌های فراوان دل‌ها را آماده می‌سازند، اندک اندک آنها را متوجه جهاد می‌کنند. البته، در این سامانه جدید مراد از تقوا ترک شهوات نیست، بلکه گذشت از جان است. بدین جهت واژگان کلیدی سامانه جدید با واژگان سامانه‌های گذشته فرق دارد. در اینجا سخن از حرکت به سوی خدا و صراط مستقیم است که بسی فراتر از ترک شهوات است و درجه بالاتری نسبت به درجه قبلی دارد:

۲- «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۷).

در اینجا امر به تقوا منظور تقوای جهادی است که آن حضرت (ع) یارانش را به آن امر نموده و از آنان می‌خواهد که در جهاد با مخالفان حق کوتاهی نکنند. مسیر حرکت آنها حرکت در راه حق و صراط مستقیم و مبارزه علیه دشمنانی همچون معاویه است و وظیفه و تکلیف آنان حرکت در مسیر مبارزه است که نتیجه این حرکت را نیز امام ترسیم نمود و آن پیروزی و رستگاری اخروی است:



نمودار ۸. مفاهیم تقوا



نمودار ۷. مفاهیم تقوا

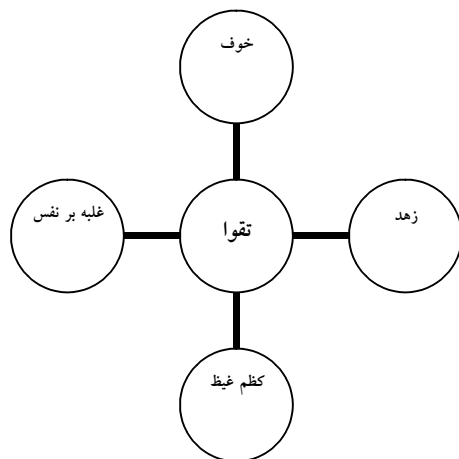
۴-۳. درجه سوم

در این درجه واژه تقوا در معنایی کاملاً عرفانی و ملکوتی قرار می‌گیرد. مخاطبان این نوع از تقوا، سالکان الی الله و در درجه بالاتر واصلان الی الله هستند. واژه تقوا در فرازهای زیر قابل تأمل است:

۱- «أَوْصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْأَلَا تَبْغِيَا الدُّنْيَا وَإِنْ بَعْتَكُمَا وَلَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا رُؤِيَ عَنْكُمَا وَقُولَا بِالْحَقِّ وَعَمَلًا لِلْأَجْرِ وَكُونََا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَاللْمَظْلُومِ عَوْنًا أَوْصِيكُمَا وَجَمِيعَ وَكَلْدَى وَأَهْلَى وَمَنْ بَلَغَهُ كِنَابِي

۱- «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَامْضُوا فِي الَّذِي نَهَجْتُمْ لَكُمْ وَقَوْمُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلْجِكُمْ أَجْلًا إِنْ لَمْ تَمْنَحُوهُ عَاجِلًا» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۲۴).

و در خطبه ای دیگر فرموده‌اند:



نمودار ۱۰. مفاهیم تقوا

۴- اتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِّنْ شَمْرٍ تَجْرِيداً وَجَدَّ تَشْمِيراً
وَكَمَّشَ فِي مَهَلٍ وَبَادَرَ عَن وَجَلٍ وَنَظَرَ فِي كَرِهِ الْمَوْتِ
وَعَاقِبِهِ الْمَصْدَرِ وَمَعَبَهُ الْمَرْجِعِ (حکمت ۲۱۰).

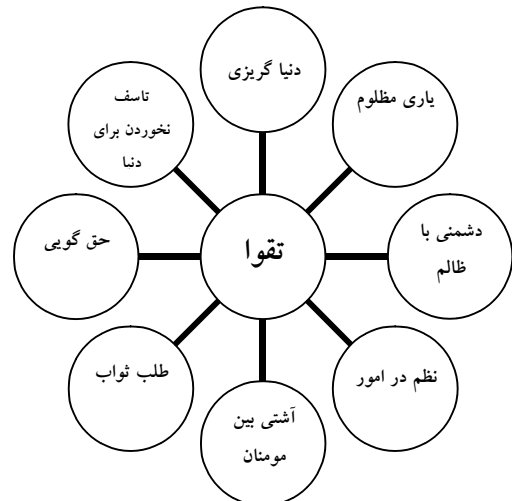
در این بیان امام(ع)، واژه تقوا در ارتباط با واژه‌ها و مفاهیمی از قبیل: تشمیر، جد و کوشش و نظر در عواقب امر (تدبیر) به کار رفته است. تشمیر به معنای اطاعت کردن و تسریع در امر است (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸، ج ۲۱: ۲۸۰). بنابراین، تقوا به معنای تسریع در اطاعت خداوند و جد و اجتهاد در انجام اوامر الهی است. پس می‌توان گفت تقوا در مفهوم عرفانی بالایی مد نظر بوده است.

۵- قَدْ كَفَاكُمْ مَوْنَهُ دُنْيَاكُمْ وَحَثُّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ
وَأَفْتَرَضَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الذِّكْرَ وَأَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا
مُنْتَهَى رِضَاةٍ وَحَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ
بِعَيْنِهِ وَتَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ وَتَقَلُّبِكُمْ فِي قَبْضَتِهِ (خطبه ۱۸۳).

در این فراز از خطبه واژه تقوا در ارتباط با واژه‌های: شکر، ذکر، مقام رضایت خداوند و حضور در پیشگاه حق و علم خدا به اعلان و اسرار قرار می‌گیرد. تحلیل زبان شناسی واژه تقوا در این کلام در

بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۴۷)

در این قسمت از سخنان امام (ع) در سامانه معنایی واژه تقوا مفاهیم زیادی از قبیل: زهد و اعراض از دنیا، اعانه المظلوم، قول الحق، نظم در امور و اصلاح بین الناس دیده می‌شود:



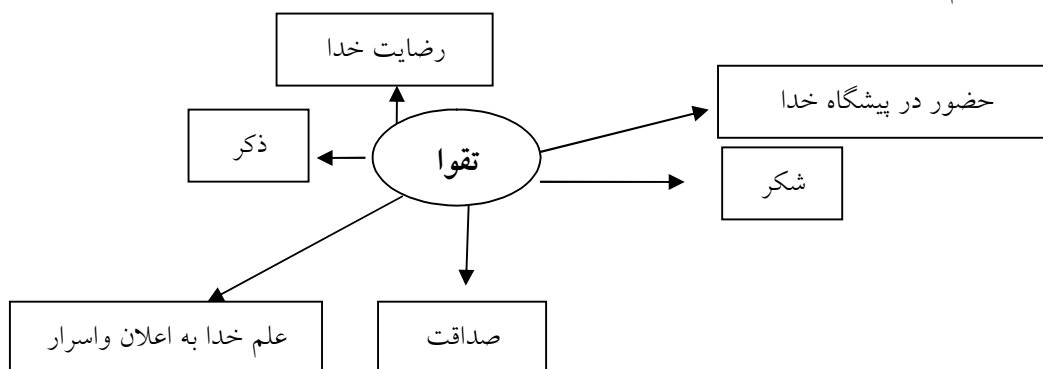
نمودار ۹. مفاهیم تقوا

۲- إِتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ وَخَفِ عَلَى
نَفْسِكَ الدُّنْيَا الْعَرُورَ وَلَا تَأْمَنْهَا عَلَى حَالٍ... فَكُنْ
لِنَفْسِكَ مَانِعاً رَادِعاً وَلِنَزْوَتِكَ عِنْدَ الْحَفِيطَةِ وَأَقِمَّ قَامِعاً
(نامه ۵۶).

در اینجا واژه تقوا در یک سامانه معنایی واقع شده که مفاهیم: خوف، زهد، کظم غیظ و غلبه بر نفس اماره آن را احاطه نموده است. واژه فی کل صباح و مساء که معنای مراقبت در آن نهفته، به شبکه معنایی جدید مفهومی عرفانی بخشیده است و اندک اندک خطاب متوجه سالکان می‌شود:

سلوکی مخاطبان شبکه معنایی جدید است.

شکل زیر ترسیم شده و به خوبی بیانگر بعد عرفانی و



نمودار ۱۱. مفاهیم کلی تقوا

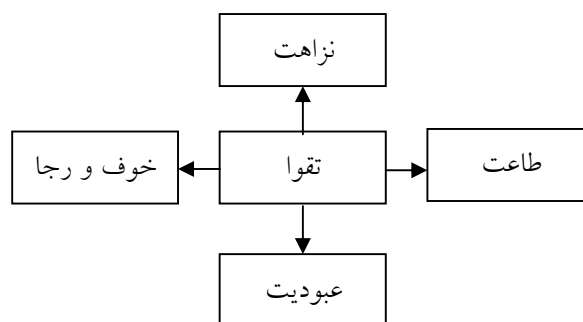
۷- فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِّنْ سَمْعٍ فَخَشِعَ وَأَقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ
وَوَجَلَ فَعَمِلَ وَحَادَرَ فَبَادَرَ وَأَيُّقِنَ فَأَحْسَنَ وَعَبَّرَ فَاعْتَبَرَ
وَحَذَرَ فَحَذِرَ وَرَجَرَ فَازْدَجَرَ وَأَجَابَ فَأَنَابَ وَ رَاجَعَ
فَنَابَ وَاقْتَدَى فَاحْتَذَى» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه
۸۳).

در دو فراز زیر نیز به تقوا در مفهوم عرفانی بسیار
بالا توصیه شده است و واژه تقوا در سامانه معنایی
گسترده ای واقع می شود که در طریق سیر الی الله
همه آن امور باید مورد توجه سالک قرار گیرد. این
سامانه عبارت است از:

تفکر (فکر)، ذکر، خوف و خشیت، رجاء، زهد،
تهجد (سهر)، خشوع، فروتنی، اعتراف به گناه (اقرار)،
یقین، توبه، انابه، احسان، اعتبار (عبرت پذیری)، عمل
صالح، پیروی از رهبر الهی و پاکی قلب (طیب
سریره) که نشان دهنده درجه ویژه خاصان و واصلان
است:

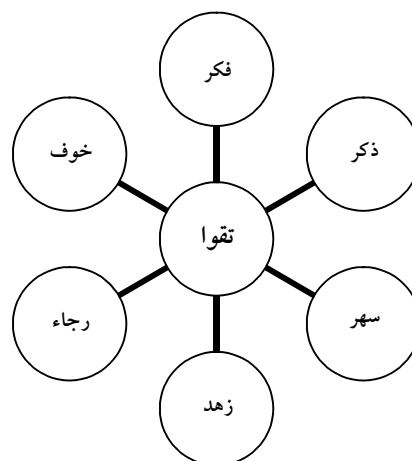
۶- «إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَبَصْرٌ عَمَى
أَفْئِدَتِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحٌ فَسَادِ
صُدُورِكُمْ وَطَهُورٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَجَلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ
وَإِمْنٌ فَرَعَ جَاشِكُمْ وَضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي نَفَعَكُمْ بِمَوْعِظَتِهِ وَوَعَّظَكُمْ بِرِسَالَتِهِ وَآمَنَ عَلَيْكُمْ
بِنِعْمَتِهِ فَعَبَّدُوا أَنْفُسَكُمْ لِعِبَادَتِهِ وَآخِرُجُوا إِلَيْهِ مِنْ حَقِّ
طَاعَتِهِ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۸).

تقوا در این خطبه در مفهوم کاملاً عرفانی بیان
شده است و میدان معنایی تقوا را در ترسیم هندسی
به این شکل می توان نمایش داد: واژگان: قلوب، افنده
و صدور که بیانگر راهیابی تقوا از زبان و فکر به قلب
و فؤاد است، نشان دهنده درجه والایی است که ما را
به بالاترین درجه تقوا نزدیک می کند:



نمودار ۱۲. مفاهیم تقوا

این خطبه نهج البلاغه که خطبه همّام و خطبه متقین نام دارد، شاهکار امام در مقام توصیف و اصلان به حق است. در این خطبه حضرت علی (ع) به شرح کامل صفات متقین پرداخته است که درک عمیق مفهوم تقوا در نهج البلاغه با شناخت همه این صفات و ویژگی‌ها میسر است و با بررسی آن به عمق کلام آن حضرت و اعجاز کلام وی پی می‌بریم. تقوا ابتدا همراه با واژه احسان بیان شده و حضرت به طور کلی، در تعریف واژه تقوا، واژه احسان را بیان نموده است.



نمودار ۱۳. مفاهیم تقوا

احسان، بُعد عملی تقواست و اینکه سالک از مرتبه حال به مقام ملکه برسد. در ادامه سخن، آن حضرت در توصیف متقین واژه تقوا را در ارتباط با مفاهیم بسیاری بیان نموده است. در این خطبه واژه تقوا در میدان معنایی بسیار گسترده ای واقع می‌شود؛ لذا فهرستی از واژه‌ها که در میدان معنایی واژه تقوا در این خطبه قرار گرفته اند، بیان می‌شود:

منطق صواب (درستی گفتار)، اقتصاد و میانه‌روی، تواضع و فروتنی، رجاء و خوف، عفت و پاکدامنی، حزن قلبی، صبر، سهر و شب زنده داری، تلاوت قرآن و تدبر در قرآن، علم و حلم، برّ و نیکوکاری، اشفاق و ترس از عمل، قوت در دین، حزم و دور اندیشی، یقین، خشوع، طلب حلال، شکر، ذکر، ترس در عین انجام اعمال صالح، حذر و فرح، قناعت، حفظ دین، غلبه بر شهوات، کظم غیظ، زهد و نزاهت، مهربانی و رحمت، عفو و بخشش، اعطاء، صلّه رحم، قول لَین (گفتار نرم)، پرهیز از تکبر، پرهیز از حیله و نیرنگ، عدم نسیان و فراموشی، حسن الجوار، پرهیز از فحاشی و امانتداری. این شبکه وسیع معنایی، بی‌تردید نمایانگر بالاترین درجه تقواست که

۸- «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً ذِي لُبٍّ شَغَلَ التَّفَكُّرَ قَلْبَهُ وَأَنْصَبَ الْخَوْفَ بَدَنَهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۸۳) و در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ مُحَارَمَةَ وَالزَّمَتَ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لِيَالِيَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۴).

در این کلام امام (ع)، واژه تقوا در مفهوم عرفانی مد نظر قرار گرفته و در سامانه معنایی گسترده تری واقع شده است که با مفاهیمی از قبیل: عبودیت، خوف از خدا، پرهیز از محرمات، سهر و تهجد، ظمأ و روزه‌داری، مسارعه در اعمال خیر، توجه به مرگ و دوری از آمال و اغراض دنیوی در ارتباط است. در واقع، سالک در طی مسیر عبودیت همه این امور را مد نظر قرار می‌دهد تا بتواند به بالاترین مراحل عبودیت که همان ربوبیت و تجلی صفات جمال و جلال حق است، واصل شود.

۹- «إِتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنِ فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ... فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۹۳).

سیر تطور معنایی واژه در نهج البلاغه مشاهده می‌کنیم که معنای واژه از اختصاص به بعد فردی و ارزش‌های اخلاقی فردی، به بعد اجتماعی کشیده می‌شود و آن حضرت تقوا را نه تنها در ارزش‌های اخلاقی - فردی، بلکه در زمینه‌های مختلف دیگر نیز مطرح می‌کند.

مشاهده می‌شود که واژه تقوا و درجات آن در هر مورد از کلام امام (ع) با سایر موارد کاملاً متفاوت است. البته، این تفاوت در معنا، معلول عوامل درونی (چون: بافت، سیاق، بلاغت و وجوه نحوی) و عوامل بیرونی (چون جامعه، فرهنگ، تاریخ و...) است.

همچنین، در نتیجه بررسی حوزه‌های معنایی واژه تقوا در نهج البلاغه، این نکته روشن می‌شود که واژه تقوا مشترک معنوی بین تمامی این مفاهیم است و در واقع، تقوا ملکه درونی و حالتی نفسانی است که سبب حفظ نفس از نافرمانی خدا در همه زمینه‌های مختلف زندگی، اعم از بعد فردی یا اجتماعی می‌شود. این امر بیانگر اعجاز لفظی عبارات نهج البلاغه است؛ همان‌گونه که کاربرد اشتراک معنوی در قرآن سبب آشکارتر شدن اعجاز لفظی آن شده و این پدیده بیانگر تشابه متن قرآن با نهج البلاغه است و مافوق کلام مخلوق بودن نهج البلاغه را به اثبات می‌رساند.

بررسی تقوا در نهج البلاغه، این حقیقت را آشکار می‌کند که برخلاف تصور غلط بعضی مقدس مآبان، تقوا از دیدگاه امام علی (ع) امری فردی و روش عملی منفی به معنای انزوا و گوشه‌گیری و کناره‌گیری از محیط و جامعه و ترک تمامی امور مباح در زندگی انسان و عدم ورود به وادی علم و سیاست و فرهنگ نیست، بلکه از منظر امیرمؤمنان (ع) تقوا ملکه‌ای

ویژه «خاص الخاص» است و در حقیقت، بر خود امام علی صدق می‌کند تا دیگران؛ از این رو، برخی شارحان این خطبه گفته‌اند: «والله ما وصف ألاً نفسه» به خدا سوگند علی (ع) در این خطبه خود را توصیف فرموده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی واژه تقوا و تطور دلالتی آن از دید معنانشناسی در سه سطح متفاوت: پیش از قرآنی، قرآنی و پس از قرآنی (نهج البلاغه)، این حقیقت را به اثبات رسانید که واژه تقوا در زمان جاهلیت کاربرد دینی نداشته است، اما در قرآن این واژه به مقام واژگان کلیدی رسیده و جنبه کاملاً معنوی و روحانی پیدا کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که این واژه مخصوص قرآن است. در همین مرحله (مرحله قرآنی) نیز این واژه دارای تطور معنایی است؛ یعنی در مدت ۲۳ سال نزول قرآن، معنای واژه از دوران مکی تا دوران مدنی تغییر یافته است. در دوران مکی، تقوا به معنای ترس از عذاب خداوند و داوری روز قیامت است، در حالی که در دوران مدنی - که اعتقاد به معاد در بین مسلمانان تثبیت شده بود، تقوا - معنای ورع و پرهیز از محرّمات و معاصی دارد.

در سیر تطور معنایی واژه پس از قرآن، در نهج البلاغه، با گستردگی عظیم معنایی واژه تقوا مواجه می‌شویم و معانی جدیدی برای این واژه مطرح می‌شود که شاید قبلاً بی سابقه بوده است؛ مثلاً مفهوم زهد و اعراض از دنیا مفهوم، مبارزه با نفس اماره و اصلاح نفس در آن کاربرد زیادی پیدا کرده است که البته، این تطور معنایی ناشی از جهان‌بینی خاصی است که بر آن دوره حاکم بوده است. همچنین، در

۸- تفلیسی، ابوالفضل حبیش بن ابراهیم (۱۳۴۰)،
وجوه قرآن، ترجمه دکتر مهدی محقق، تهران:
دانشگاه تهران.

۹- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن
پژوهشی، تهران: دوستان و ناهید.

۱۰- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰) شرح
غرر الحکم و درر الکلم، با مقدمه و تصحیح
میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران،
چ ۳.

۱۱- دامغانی، حسین بن محمد (۱۳۶۱)، قاموس قرآن
در وجوه و لغات مشترک، به کوشش کریم عزیزی
نقش، تهران: بنیاد علوم اسلامی.

۱۲- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد
(۱۳۶۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت:
المکتبة المرتضویه، چ ۲.

۱۳- الخوری الشرتونی، سعید (بی تا)، اقرب الموارد
فی فصیح العربیه والشوارد، [بی جا]: [بی نا].

۱۴- طریحی، شیخ فخرالدین (بی تا)، مجمع البحرین،
قم: مؤسسه البعثه.

۱۵- عبدالنواب، رمضان (۱۳۶۷)، مباحثی در فقه اللغه
و زبان شناسی عربی، مترجم حمیدرضا شیخی،
مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۶- الفیروزآبادی الشیرازی، مجدالدین محمد بن
یعقوب (۱۳۷۱ق)، القاموس المحیط، مصر: مطبعه
السعاده.

۱۷- مختار عمر، احمد (بی تا)، معنی شناسی، ترجمه
دکتر سیدحسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی
مشهد.

۱۸- هاشمی خوبی، میرازحیب اله (۱۳۵۸)، منهاج
البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح سید ابراهیم
میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چ ۴.

درونی است که فرد را در عین اشتغال به فعالیت‌های
فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و ... به
مقام قرب الی الله واصل و وی را از هر گونه
نافرمانی خدا منع می‌کند.

نکته پایانی این که این پژوهش، همه جانبه بودن و
جامعیت شخصیت حضرت علی (ع) و سخن او را به
اثبات می‌رساند، زیرا سخن نماینده روح است و
روحی که چند بعدی باشد، سخنش نیز همان گونه
است و از آنجا که فقط در یک واژه از سخن آن امام
بزرگوار، این همه گستردگی معنایی و جامعیت دیده
می‌شود، می‌توان این جامعیت و همه جانبه بودن را
در کل سخنان او به اثبات رسانید.

منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم:
مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور
- ۳- ابن ابی سلمی، زهیر (۱۳۸۴ق)، دیوان، بیروت: دار
صادر.
- ۴- ابن کثوم، عمرو (۱۹۹۱م)، دیوان، شرح امیل بدیع
یعقوب، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۵- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۹۸۸م)،
لسان العرب، تصحیح علی شیری، بیروت: داراحیاء
الترات العربی.
- ۶- استادی، رضا (۱۳۵۹)، کتابنامه نهج البلاغه، بنیاد
نهج البلاغه.
- ۷- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۸)، خدا و انسان در
قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ
اسلامی، چاپ دوم.